

ساخت و اعتباریابی مقیاس کیفیت روابط زناشویی با تأکید بر تئوری انتخاب گلاسر

سحر محمدی^۱

علیرضا پیرخانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۵

تاریخ وصول: ۹۳/۱/۲۶

چکیده

زمینه: هفت عادت مخرب، رفتارهای اساسی روان‌شناسی کنترل بیرونی هستند که رابطه را تخریب کرده و در نتیجه مسبب اغلب مسائلی هستند که انسان‌ها با آن درگیرند. هدف: هدف از پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی مقیاسی بود که بتواند هفت رفتار مخرب ازدواج را براساس تئوری انتخاب ویلیام گلاسر مورد ارزیابی قرار دهد. روش: با مطالعه مبانی نظری تئوری انتخاب در زمینه هفت رفتار مخرب در ازدواج، و پژوهش‌های مربوط به آن، برای طراحی پرسشنامه براساس سازه‌های مذکور که از مطالعه منابع موجود به دست آمده بود اقدام شد. پس از بررسی روایی صوری و محتوایی این مقیاس و هر کدام از عوامل آن، و حذف سؤالات نامربوط، ۶۸ سؤال برای تحلیل نهایی کنار گذاشته شد. این پرسشنامه بر روی یک نمونه ۲۵۰ نفری (۲۱۳ زن و ۳۷ مرد) از دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی اجرا گردید. برای بررسی پایایی این مقیاس از روش همسانی درونی آلفای کرونباخ استفاده شد. روایی پرسشنامه مزبور به سه شیوه روایی سازه (تحلیل عاملی)، روایی ملاک (روایی همزمان) و روایی محتوا مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها: تحلیل عاملی با استفاده از روش مولفه‌های اصلی و چرخش ابلیمین مستقیم نشان داد که ۷ عامل مشخص شده ۵۸/۹۸۹٪ از واریانس کل را تبیین می‌کنند. ضریب پایایی مقیاس از روش ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۵، برای عامل اول ۰/۸۲، برای عامل دوم ۰/۷۶، برای عامل سوم ۰/۷۸، برای عامل چهارم ۰/۸۳، برای عامل پنجم ۰/۷۶، برای عامل ششم ۰/۸۲، و برای عامل هفتم ۰/۷۱ برآورد شد. روایی همزمان مقیاس یاد شده از طریق همبسته کردن این مقیاس با زیر مقیاس «چهار اسب سوار ارتباطات مهلک» از مجموعه مقیاس‌های جان گاتمن (SRH)، ۰/۵۶۷ به دست آمد. بحث و

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی. Mohamadi.s.1985@gmail.com

۲- استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. Alireza_pirkhaefi@yahoo.com

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد پرسشنامه مورد بررسی از روایی و پایایی لازم برخوردار بوده و از آنجایی که در داخل و خارج از کشور مقیاسی برای ارزیابی رفتارهای تخریبگر در روابط زناشویی بر اساس تئوری انتخاب وجود ندارد، این پرسشنامه می‌تواند تا حدی خلأ پژوهش‌های مربوط به این حوزه را جبران کند و مورد استفاده روان‌درمانگران و متخصصان این حیطه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ازدواج، تئوری انتخاب، روان‌شناسی کنترل بیرونی، هفت عادت مخرب، ویلیام گلاسر.

مقدمه

گلاسر در سال ۱۹۶۰ شروع به گسترش نظریه شخصی خود کرد، که تحت عنوان واقعیت درمانی^۱ شناخته شده و بر پایه نظریه کنترل^۲ شکل گرفته است (آندرسن^۳، ۲۰۰۸). نام نظریه کنترل از فرض اساسی این نظریه، که انسان‌ها باید همه رفتارهایشان را کنترل کنند، برآمده است (گلاسر، ۱۹۹۸). گلاسر در اواخر سال ۱۹۸۰ نام نظریه‌اش را از نظریه کنترل به نظریه انتخاب تغییر داد تا این مطلب را روشن تر سازد که افراد می‌توانند همه رفتارهایشان را انتخاب کنند (رایبیز^۴، ۲۰۰۵). نظریه انتخاب مبتنی بر سه اصل عمده است: اولین اصل بیان می‌کند مسائل رابطه‌ای، مشکل عمده انسان‌های جامعه بوده و همه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گلاسر، ۱۹۹۸؛ گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۰). این مشکلات می‌تواند نتیجه روابط نامناسب کنونی، یا فقدان روابط معنادار با دیگران، و یا حتی با خود شخص باشد (رایبیز، ۲۰۰۵). اصل دوم، بیان کننده این مفهوم است که تنها رفتار ما تحت کنترل خود ما است. بنابراین، اگر زندگی کسی آن طور که می‌خواهد نیست، اولین شخصی که مسئولیت تغییر آن را دارد خود فرد است (پرکینز^۵، ۲۰۱۲). گلاسر (۱۹۹۷) توضیح می‌دهد که افراد در تعاملات خود به سادگی اطلاعات را رد و بدل می‌کنند و این انتخاب آنها است که تعیین می‌کند چگونه به این اطلاعات

1. reality therapy
2. control theory
3. Anderson
4. Robbins
5. Perkins

براساس ارضای یک نیاز ویژه در آن زمان واکنش نشان دهند. به عبارت دیگر، همه رفتارهای انسان انتخاب شده است (ووبلینگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). اصل سوم و شاید برجسته ترین اصل این است که، نیروی محرک تمام رفتارهای انسان پنج نیاز اساسی^۲ ژنتیکی است. این نیازها شامل بقا^۳، عشق و تعلق خاطر^۴، آزادی^۵، تفریح^۶ و قدرت^۷ است (گلاسر، ۲۰۰۰a). مشکلات اساسی انسانها از دیدگاه گلاسر (۱۹۹۹) به طور خلاصه شامل شکست در ارضای نیازهای برنامه ریزی شده ژنتیکی، فقدان رابطه نزدیک و صمیمی، و روانشناسی کنترل بیرونی^۸ است.

روانشناسی کنترل بیرونی منشأ اصلی روابط ناخرسند مردم سراسر جهان است (گلاسر، ۱۹۹۸؛ ۲۰۰۰b؛ رابینز، ۲۰۰۵). پدیده کنترل بیرونی اغلب از والدین و معلمان آموخته می شود (گلاسر، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۵) و از سه قسمت تشکیل شده است: اول، این عقیده است که عوامل بیرونی، از جمله افراد دیگر، انسانها را به انجام دادن رفتاری خاص وادار می کنند. دوم، این باور است که انسانها می توانند رفتار دیگران را از طریق اعمال زور و حق حساب دادن کنترل کنند. و در آخر، این عقیده که انسانها احساس می کنند که نه تنها صلاح خود را می دانند بلکه صلاح دیگران را نیز بهتر از خود آنها می دانند (گلاسر، ۱۹۹۸). به گفته گلاسر روانشناسی کنترل بیرونی یعنی، «من می دانم چه چیز به صلاح توست، و اگر ضرورت داشته باشد، من تلاش می کنم که بر تو اعمال قدرت کنم یا تو را مجبور کنم که آن طور که من می خواهم رفتار کنی» (اندرا و گرینوالد^۹، ۲۰۰۷). در هر حال مسأله این است که اگر افراد از روانشناسی کنترل بیرونی استفاده کنند به روابط خود ضربه می زنند (نلسون^{۱۰}، ۲۰۰۲). در

-
1. Wubbolding
 2. five basic needs
 3. survival
 4. love and belonging
 5. freedom
 6. fun
 7. power
 8. external control psychology
 9. Onedera & Greenwalt
 10. Nelson

مقابل، نظریه انتخاب بیان می کند که انسان ها توسط انگیزش های درونی، نه عوامل بیرونی برای پاسخ دادن به یکی از پنج نیاز اساسی خود وادار به انجام یک رفتار می شوند (گلاسر، ۱۹۹۸؛ ووبلدینگ و همکاران، ۲۰۰۴). این تمرکز بر نیروهای درونی شرایطی را برای مسئولیت پذیری فراهم می کند که یکی از اساسی ترین آموزش های تئوری انتخاب به افراد است (اروین، ۲۰۰۳).

از دیدگاه گلاسر، روان شناسی کنترل بیرونی با استفاده از هفت رفتار مخرب تشدید می شود (گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۰؛ رابینز، ۲۰۰۵). این رفتارها شامل انتقاد^۲، سرزنش کردن^۳، گله و شکایت^۴، غرغر و نق^۵، تهدید^۶، تنبیه^۷ و حق حساب دادن^۸ است (گلاسر، ۲۰۰۰a). بدیهی است بیش از هفت رفتار مخرب وجود دارد، اما می توان در رفتارهای دیگر نیز سرنخی از این هفت رفتار را دید (گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۷). این عادات منحصر به ازدواج نیست، اما در زندگی زناشویی خود را شدیدتر نشان می دهد (گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۰). این هفت رفتار مخرب مواردی است که نه تنها همسران، بلکه والدین و فرزندان، معلمان و دانش آموزان، و کارفرمایان و کارمندان در قبال هم انجام می دهند. این ها رفتارهای اساسی روان شناسی کنترل بیرونی هستند که رابطه را تخریب کرده و در نتیجه مسبب اغلب مسائلی هستند که انسان ها با آن درگیرند (گلاسر، ۱۹۹۰؛ ۲۰۰۰b؛ اندرا و گرینوالد، ۲۰۰۷).

تأکید فراوانی که بر حفظ و مراقبت از روابط وجود دارد، از این رو است که نیاز به عشق و رابطه یکی از نیازهای اساسی انسان ها در نظریه انتخاب است (گلاسر، ۱۹۹۹). تعریف یک رابطه سالم از نظر گلاسر این است که شما سعی نکنید هیچ کس را در اطرافتان تغییر دهید

-
1. Erwin
 2. criticizing
 3. blaming
 4. complaining
 5. nagging
 6. threatening
 7. punishing
 8. rewarding to control/bribing

(اندرا و گرینوالد، ۲۰۰۷). به گفته گلاسر روابط خوب، سلامت ما را تغذیه کرده و از آن حمایت می کند و روابط زهر آگین می تواند ما را مسموم کند (کلیفتون^۱، ۲۰۱۱). به کارگیری یک رفتار تخریبگر می تواند دیگری را ایجاد کند. به طور معمول یک طرف رابطه انتقاد می کند و طرف دیگر سرزنش می کند و هر دو شکایت می کنند. سپس اگر بحث و درگیری ادامه یابد، یک طرف رابطه شروع به غرغر می کند، دیگری تهدید را آغاز می کند، که در نهایت به تنبیه و بعد از آن به حق حساب دادن ختم می شود، در نتیجه این هفت رفتار با هم همبسته اند و می توانند در چرخه ای همدیگر را ایجاد کنند (گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۷). مقاومت و پایداری در استفاده از هفت رفتار مخرب منجر به قطع رابطه خواهد شد (نلسون، ۲۰۰۲).

این هفت رفتار مخرب می تواند با هفت رفتار سازنده توجه^۲، اعتماد^۳، احترام^۴، گوش دادن^۵، تشویق^۶، حمایت^۷ و گفتگوی دائمی بر سر حل اختلافات^۸ جایگزین شود (گلاسر، ۲۰۰۰a؛ رویی، بردنسکی، بریتزمن، کرول و کیز^۹، ۲۰۱۱). تئوری انتخاب بیان می کند که هرگاه فردی با دیگری دچار مشکل شده است، هرگز نباید از رفتارهای مخرب استفاده کند باید سعی کند رفتاری را انتخاب کند که بتواند آنها را به هم نزدیک و نزدیک تر نگه دارد. و انجام این کار سخت نیست، به عنوان مثال ما از هفت رفتار مخرب در قبال دوستانمان استفاده نمی کنیم زیرا نمی خواهیم آنها را از دست بدهیم (گلاسر، ۲۰۰۰b). مردم رفتارهای کنترل بیرونی (عادات مخرب) را انجام می دهند، به امید این که با تغییر دیگری به او نزدیک تر شوند، اما غافل از این هستند که این رفتارها آنها را از هم دور کرده و در چرخه ای از درد، خشم،

-
1. Clifton
 2. Caring
 3. Trusting
 4. Befriending
 5. Listening
 6. encouraging
 7. supporting
 8. negotiating
 9. Robey, Burdinski, Britzman, Crowell & Cisse

تندخویی قرار می‌دهد (گلاسر، ۱۹۹۸). نکته قابل توجه آن است که شیوه کنترل بیرونی (به عنوان مثال استفاده از رفتارهای مخرب) و مسئولیت‌گریزی به صورت پاسخ معمول افراد در آمده است، به این معنا که بسیاری از افراد اغلب برای توجیه رفتار و شیوه زندگی شان به دنبال دلایلی هستند که معمولاً با منبع کنترل بیرونی و سرزنش مرتبط است. به عنوان نمونه در روابط زناشویی زوجین معتقدند اگر زندگی شادمانی ندارند به سبب رفتارهای شخص دیگر، یعنی همسرشان است. این سندرم سرزنش در روابط زناشویی، در حقیقت می‌تواند در محیط کار، همسایگی و موقعیت‌های دیگر نیز با افراد دیگر رخ دهد (پرکینز، ۲۰۱۲). گاتمن^۱ پژوهش‌های بلندمدت خود را روی بیش از ۳۰۰۰ زوج انجام داد تا تعیین کند که چه مواردی به ازدواج کمک می‌کند و چه مواردی آن را تخریب می‌کند. او بیشتر تمرکز خود را روی الگوهای ارتباطی زهرآگین قرار داد و آنها را «چهار اسب سوار آخرالزمان»^۲ نامید (گاتمن، ۱۹۹۴b؛ ۱۹۹۹).

گاتمن (۱۹۹۴b) بیان می‌کند که همه رفتارهای منفی در روابط میان فردی تأثیر برابر ندارند، برخی از اعمال فرساینده تر از مابقی رفتارها هستند و این رفتارهای ناسالم را که تحت عنوان «چهار اسب سوار ارتباطات مهلک»^۳ نیز تعریف می‌کند، شامل: انتقاد^۴، تحقیر^۵، حالت تدافعی^۶ و دیوار سنگی ساختن^۷ می‌شود، که این رفتارها به نحوی با رفتارهای مخرب در نظریه انتخاب همپوشانی دارد. فینچام^۸ (۲۰۰۳) نیز در نتیجه تحقیقات خود بیان می‌کند که گله و شکایت و انتقاد تعارضات زناشویی را افزایش می‌دهد. مطالعه‌ای توسط بوهلن، گاتمن و کتز^۹

-
1. Gottman
 2. The Four Horsemen of the Apocalypse
 3. The Four Horsemen of Deadly Communication
 4. criticism
 5. contempt
 6. defensiveness
 7. stonewalling
 8. Fincham
 9. Buehlman, Gottman, & Katz

(۱۹۹۲) با روش مصاحبه انجام شد، که این پژوهش توانست با دقت ۹۴٪ پیش بینی کند که کدام زوج ها در ۳ سال آینده طلاق می گیرند و کدام زوج ها با هم می مانند. نکته قابل توجه آن است که ازدواج هایی که در آن همسران بیشتر نسبت به هم انتقادی رفتار می کردند بیشتر احتمال می رفت تا ۳ سال آینده به طلاق منجر شود. گاتمن (۱۹۹۴a) در جایی دیگر بیان می کند که رضایت زناشویی در مردان به طور منفی با انتقاد و شکایت که نمونه ای از رفتارهای تخریب گر است، همبستگی دارد. و این تأثیر منفی به کارگیری عادات تخریبگر را در روابط زناشویی نشان می دهد.

کرول مطرح می کند که مفهوم هفت رفتار مخرب به روند مشاوره با زوج و خانواده ها کمک می کند (روبی، بردنسکی، بریتزمن، کرول و کیز، ۲۰۱۱). وولددینگ نیز در ارتباط با کارکرد تئوری انتخاب و واقعیت درمانی برای مشاوره با همسران و خانواده ها چنین بیان می کند که یکی از ویژگی های مهم در سیستم خانواده ارتباط است، که افراد را مانند چسب در کنار یکدیگر قرار می دهد. در نتیجه هنگام مشاوره با خانواده و همسران یکی از موارد ضروری که به آنها باید آموزش داده شود این است که چگونه با هم گفتگو کنند و از آنچه گلاسرها عادات مخرب می نامد اجتناب کنند (روبی، ۲۰۱۱). مشکل همسران در روابط زناشویی این است که هنگامی که مسئله ای میان آنها به وجود می آید، سعی می کنند از طریق روش های منفی و ناکارآمدی چون، انتقاد، افسردگی، درگیری، متارکه هیجانی یا روان شناختی، و به کارگیری رفتارهای مخرب، رفتار طرف مقابلشان را کنترل کنند. گلاسرها بیان می کند که به کارگیری هفت عادت مخرب کنترل بیرونی مسبب بسیاری از مسائل رابطه ای در همسران است (گلاسرها و گلاسرها، ۲۰۰۰). همچنین گلاسرها در اثرات متفاوتش این عادات تخریب گر را شناسایی و معرفی کرده است که لازم است مورد ارزیابی قرار گیرد.

در حال حاضر هیچ مقیاس و ابزاری برای عملیاتی کردن این سازه های گلاسرها موجود نیست. ساخت و اعتباریابی مقیاسی که بتواند میزان به کارگیری این رفتارها را در هر یک از طرفین ازدواج بسنجد، می تواند کاربرد تئوری انتخاب را در روابط انسانی مورد ارزیابی قرار

دهد. مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» قصد دارد بعد جدیدی را به دانش موجود تئوری انتخاب و واقعیت درمانی بیافزاید. همچنین از آن جا که پژوهش‌های اندکی در حوزه مفاهیم تئوری انتخاب از جمله تأثیر استفاده از این هفت رفتار در کیفیت رابطه‌ها صورت گرفته است، هدف دیگر این مطالعه یک گام در پرکردن شکاف بین تئوری انتخاب و پژوهش‌های مربوط به این حوزه است. با توجه به این که تاکنون ابزاری استاندارد برای ارزیابی هفت رفتار مخرب براساس تئوری انتخاب تهیه نشده است و لزوم استفاده از یک ابزار استاندارد برای چنین اهدافی قطعیت دارد، در این راستا پژوهش حاضر درصدد برآمد ابزاری مناسب، استاندارد، پایا و روا را جهت اندازه گیری هفت رفتار مخرب در تئوری انتخاب تهیه کند، تا با عملیاتی ساختن هفت سازه فرضی گلاسر یعنی انتقاد، سرزنش، گله و شکایت، تهدید، غرغر و نق، تنبیه و حق حساب دادن، بتواند در مداخلات کلینیکی، مشاوره ازدواج، تشخیص و درمانگری مشکلات زناشویی، و همچنین تحقیق و پژوهش‌های آتی مربوط به این حوزه قابل استفاده باشد.

پژوهش حاضر در راستای ساخت پرسشنامه‌ای برای عملیاتی کردن هفت رفتار تخریبگر در روابط زناشویی بر پایه تئوری انتخاب، قصد دارد سئوالات زیر را مورد آزمون قرار دهد:

۱. آیا مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» ساخته شده، از پایایی^۱ کافی برخوردار است؟
۲. آیا مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» ساخته شده، از روایی^۲ کافی برخوردار است؟

1. reliability
2. validity

روش

روش اجرای پژوهش حاضر به لحاظ هدف توسعه‌ای و به لحاظ روش پیمایشی است. جامعه این پژوهش شامل دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی تهران بود که در نیمسال دوم سال ۱۳۹۰-۹۱ تحصیل می‌کردند. در این مطالعه ۳۰۰ دانشجوی متأهل شرکت داشتند. در مرحله اول پژوهش، ۵۰ نفر از دانشجویان به صورت تصادفی برای مطالعه مقدماتی انتخاب و پرسشنامه در اختیار آنها قرار گرفت. سپس در راستای استخراج عوامل مورد انتظار مربوط به هفت رفتار تخریب‌گر ۲۵۰ دانشجو به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و به پرسشنامه پژوهش پاسخ دادند. ۱۲۵ نفر (۵۰٪) از آزمودنی‌ها دارای زندگی زناشویی رضایت‌بخش و ۱۲۵ نفر (۵۰٪) دارای زندگی زناشویی ناموفق بودند. در این پژوهش، رضایت زناشویی با پرسشی که در انتهای پرسشنامه گنجانیده شده بود «آیا هم اکنون از رابطه زناشویی خود احساس رضایت می‌کنید» مورد ارزیابی قرار گرفت. علاوه بر آن با توجه به آمار به دست آمده از دانشگاه علامه طباطبایی، ۸۵٪ از دانشجویان متأهل دختر و ۱۵٪ از آنها پسر بودند. که با توجه به حجم نمونه ۲۱۳ نفر آن را دختران و ۳۷ نفر را پسران تشکیل می‌دادند. آزمودنی‌ها در دامنه سنی ۱۹ تا ۴۰ سال قرار داشتند و میانگین سن آزمودنی‌ها ۲۴/۱۳ (SD = ۴/۱۴۹) بود. مقطع تحصیلی آزمودنی‌ها دوره‌های کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا بود و آزمودنی‌ها از میان دانشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی، اقتصاد، و ادبیات و زبان‌های خارجی انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

الف) به منظور سنجش میزان استفاده از رفتارهای مخرب در رابطه زناشویی، مقیاسی تحت عنوان «کیفیت روابط زناشویی» تهیه شد. این پرسشنامه حاوی ۴۶ سؤال ۵ گزینه‌ای از نوع لیکرت است. فرایند تهیه و آماده‌سازی مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» بدین شرح بود: ابتدا تعریف هفت رفتار مخرب در رویکرد تئوری انتخاب با مطالعه دقیق نوشته‌های وسیع گلاسر و دیگران در این زمینه، استخراج شد و برای عملیاتی کردن این هفت سازه یعنی انتقاد، سرزنش،

گله و شکایت، تهدید، غرغر، تنبیه و حق حساب دادن، ماده‌های قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری از این مطالعات بیرون کشیده شد. در قدم بعدی برای مجموع ۸۱ سؤال پیشنهادی که توسط محققان تهیه شده بود، تحلیل صورت و محتوا انجام گرفت. در این راستا ابتدا ۵ تن از متخصصان زوج درمانگر آموزش دیده براساس رویکرد تئوری انتخاب و واقعیت‌درمانی در ایران، نسخه اولیه (۸۱ ماده‌ای) پرسشنامه را مورد تحلیل قرار داده و میزان تناسب هر ماده را بر اساس یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (صفر «اصلاً مناسب نیست» تا ۵ «کاملاً مناسب است») ارزیابی نمودند. پس از بررسی‌های این گروه متخصص پرسشنامه مذکور حاوی ۸۱ ماده گردید، به این صورت که ۲ پرسش از مجموعه سئوالات پیشنهادی حذف گردید و ۲ سؤال دیگر در این مجموعه جای گرفت.

در مرحله بعد، نسخه‌ای از این پرسشنامه ۸۱ ماده‌ای ویرایش شده، با کمک متخصصان به زبان انگلیسی برگردانده شده و در اختیار ۵ تن از اعضای مؤسسه بین‌المللی ویلیام گلاسر^۱ در استرالیا و آمریکا قرار گرفت. اعضای مؤسسه بین‌المللی گلاسر اعتبار صورت و محتوای پرسشنامه را مورد ارزیابی قرار دادند. در پایان این مرحله تعداد ۷۷ سؤال انتخاب و در پرسشنامه گنجانیده شد.

پس از آماده‌سازی شکل اولیه این مقیاس، یک مطالعه مقدماتی روی ۵۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر متأهل دانشگاه علامه طباطبائی انجام شد. در پایان اجرای هر پرسشنامه با هر یک از شرکت‌کنندگان مصاحبه‌ای به عمل آمد تا نظر آنها نسبت به سهولت فهم سئوالات و پاسخ دهی به پرسشنامه، قابلیت اجرایی آن روی دانشجویان، و توان پرسشنامه در ارزیابی رفتارهای تخریب‌گر در پاسخ دهندگان بررسی شود. نهایتاً براساس نتایج مطالعه مقدماتی و نقطه نظرهای ارائه شده، پاره‌ای تغییرات نگارشی، لفظی و مفهومی در پرسشنامه اعمال شده و نسخه نهایی مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» تهیه شد. در مرحله بعد، پرسشنامه طراحی شده به منظور بررسی پایایی و روایی و ساختار عاملی مقیاس کیفیت روابط زناشویی، روی نمونه آماری مورد

1. International William Glasser Institute

یافته‌ها

به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزار کامپیوتری اس پی اس^۱ نسخه ۱۹ استفاده شد. برای فرم اولیه مقیاس با ۷۷ سؤال، ابتدا با هدف انتخاب سئوالات مناسب و حذف سئوالات ضعیف قبل از اجرای تحلیل عاملی از شاخص‌های توصیفی (دامنه پاسخ دهی به هر سؤال، میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی) و همچنین همبستگی هر سؤال با مجموعه سئوالات استفاده شد، که حداقل همبستگی اصلاح شده برای انتخاب سؤال ۰/۳۰ در نظر گرفته شد. این تحلیل نشان داد که تعداد ۹ سؤال که دارای پراکندگی و دامنه پاسخ‌دهی مناسب نبودند از مجموعه سئوالات حذف شدند و در نتیجه ۶۸ سؤال برای اجرای تحلیل عاملی باقی ماند. قبل از اجرای تحلیل عاملی برای اطمینان از بسندگی حجم نمونه و معناداری ماتریس همبستگی به ترتیب آزمون‌های KMO^2 و کرویت بارتلت^۳ مورد استفاده قرار گرفت. نتایج آزمون شاخص کفایت نمونه گیری KMO برابر ۰/۷۷۴ و اندازه گیری کرویت بارتلت X^2 برابر ۲۷۷۳/۵۶۴ و معناداری شاخص آزمون ۰/۰۰ می‌باشد که نشان دهنده معناداری این شاخص برای اجرای تحلیل عاملی است (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج آزمون KMO و آزمون کرویت بارتلت برای داده های به دست آمده از نمونه پژوهش

آزمون KMO	
۰/۷۷۴	
آزمون کرویت بارتلت	خی دو
۲۷۷۳/۵۶۴	
درجه آزادی	۱۰۳۵
معناداری آزمون کرویت بارتلت	۰/۰۰

1. SPSS
2. Kaiser Meyer Olkin Measure of Sampling Adequacy
3. Bartlet test of Spherity

جدول ۲. شاخص‌های همسانی درونی سئوالات آزمون

شماره سئوال	میانگین مقیاس اگر سئوال حذف شود	واریانس مقیاس اگر سئوال حذف شود	همبستگی اصلاح شده سئوال-نمره کل	آلفای کرانباخ اگر سئوال حذف شود
۱	۹۰/۸۰	۵۴۵/۰۱۳	۰/۳۶۳	۰/۹۴۶
۲	۹۱/۶۵	۵۳۶/۷۱۸	۰/۵۷۶	۰/۹۴۵
۳	۹۲/۴۲	۵۳۳/۷۳۶	۰/۵۹۴	۰/۹۴۴
۴	۹۲/۱۸	۵۳۲/۰۲۱	۰/۶۱۸	۰/۹۴۴
۵	۹۲/۴۶	۵۳۷/۰۸۱	۰/۵۱۰	۰/۹۴۵
۶	۹۳/۱۵	۵۴۰/۴۲۵	۰/۶۱۶	۰/۹۴۵
۷	۹۲/۳۴	۵۳۷/۹۴۹	۰/۵۳۱	۰/۹۴۵
۸	۹۲/۵۸	۵۲۹/۵۶۶	۰/۶۴۱	۰/۹۴۴
۹	۹۱/۹۴	۵۳۲/۹۱۱	۰/۵۱۶	۰/۹۴۵
۱۰	۹۱/۵۴	۵۳۲/۱۰۲	۰/۵۵۱	۰/۹۴۵
۱۱	۹۲/۴۹	۵۴۱/۹۹۷	۰/۳۹۳	۰/۹۴۶
۱۲	۹۲/۶۱	۵۴۴/۴۱۱	۰/۳۵۸	۰/۹۴۶
۱۳	۹۲/۹۹	۵۴۲/۲۲۳	۰/۴۷۲	۰/۹۴۵
۱۴	۹۲/۶۱	۵۴۶/۱۷۶	۰/۳۲۷	۰/۹۴۶
۱۵	۹۲/۸۶	۵۳۷/۱۶۲	۰/۶۰۳	۰/۹۴۴
۱۶	۹۳/۲۴	۵۵۰/۷۶۰	۰/۳۷۳	۰/۹۴۶
۱۷	۹۲/۰۳	۵۴۴/۲۰۱	۰/۳۰۷	۰/۹۴۷
۱۸	۹۲/۹۵	۵۴۰/۱۳۵	۰/۵۵۵	۰/۹۴۵
۱۹	۹۲/۸۹	۵۴۵/۰۳۱	۰/۶۳۵	۰/۹۴۴
۲۰	۹۲/۶۵	۵۴۴/۵۹۱	۰/۴۰۱	۰/۹۴۶
۲۱	۹۲/۵۵	۵۳۷/۵۷۲	۰/۵۷۰	۰/۹۴۵
۲۲	۹۲/۲۰	۵۳۶/۸۶۴	۰/۵۲۵	۰/۹۴۵
۲۳	۹۲/۴۰	۵۳۶/۱۷۹	۰/۴۵۱	۰/۹۴۵

۰/۹۴۵	۰/۵۳۲	۵۳۵/۹۲۰	۹۲/۱۳	۲۴
۰/۹۴۶	۰/۴۳۹	۵۳۸/۵۶۶	۹۲/۲۰	۲۵
۰/۹۴۴	۰/۶۰۹	۵۳۳/۰۷۰	۹۲/۸۱	۲۶
۰/۹۴۵	۰/۴۳۵	۵۴۰/۳۱۶	۹۲/۵۲	۲۷
۰/۹۴۶	۰/۳۳۲	۵۴۳/۰۵۷	۹۲/۲۸	۲۸
۰/۹۴۴	۰/۷۰۰	۵۲۵/۲۴۸	۹۲/۰۸	۲۹
۰/۹۴۵	۰/۴۶۷	۵۳۷/۹۷۵	۹۲/۰۶	۳۰
۰/۹۴۴	۰/۶۶۷	۵۲۸/۳۲۹	۹۱/۹۷	۳۱
۰/۹۴۵	۰/۴۵۲	۵۴۲/۰۱۸	۹۲/۸۸	۳۲
۰/۹۴۴	۰/۶۵۹	۵۳۴/۳۶۰	۹۳/۰۴	۳۳
۰/۹۴۵	۰/۵۵۶	۵۴۷/۰۹۰	۹۳/۲۶	۳۴
۰/۹۴۵	۰/۵۲۵	۵۳۴/۷۷۳	۹۲/۱۶	۳۵
۰/۹۴۵	۰/۵۳۰	۵۳۶/۸۳۹	۹۱/۲۷	۳۶
۰/۹۴۴	۰/۶۴۹	۵۲۷/۳۰۲	۹۲/۳۸	۳۷
۰/۹۴۵	۰/۵۱۱	۵۳۷/۵۴۶	۹۲/۹۲	۳۸
۰/۹۴۴	۰/۶۰۲	۵۳۴/۶۸۵	۹۲/۶۲	۳۹
۰/۹۴۶	۰/۴۱۰	۵۴۱/۳۷۷	۹۱/۷۶	۴۰
۰/۹۴۵	۰/۴۳۰	۵۴۳/۳۹۳	۹۲/۸۹	۴۱
۰/۹۴۵	۰/۴۶۲	۵۳۴/۶۲۲	۹۱/۹۳	۴۲
۰/۹۴۵	۰/۴۹۰	۵۴۱/۵۵۱	۹۳/۰۴	۴۳
۰/۹۴۵	۰/۵۹۵	۵۳۶/۸۹۹	۹۳/۰۷	۴۴
۰/۹۴۴	۰/۶۶۶	۵۳۲/۲۵۷	۹۲/۶۹	۴۵
۰/۹۴۵	۰/۵۹۷	۵۳۷/۰۶۳	۹۲/۷۵	۴۶

پس از مناسب تشخیص داده شدن داده‌ها، براساس تئوری زیربنای پژوهش که بیان می‌کند هفت رفتار مخرب در روابط انسانی از جمله رابطه زناشویی وجود دارد، ۷ عامل جهت

چرخش انتخاب شد، که این هفت عامل براساس نظر متخصصان تئوری انتخاب و ساختار سئوالات به این ترتیب نام گذاری شدند: عامل اول انتقاد، عامل دوم غرغر، عامل سوم سرزنش، عامل چهارم تهدید، عامل پنجم حق حساب دادن، عامل ششم تنبیه و عامل هفتم گله و شکایت. با روش مؤلفه‌های اصلی و با استفاده از چرخش ابلیمین مستقیم^۱ ۷ عامل چرخش داده شد، تا ساختار ساده مقیاس مشخص گردد و سئوالاتی که روی هر عامل، بار عاملی قابل ملاحظه‌ای داشتند مشخص گردید. چرخش ابلیمین مستقیم از آنجا انتخاب شد که براساس تئوری انتخاب این هفت رفتار تخریبگر با هم همبستگی بالا داشته و حتی باعث تشدید یکدیگر می‌شوند (گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۷). میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیرها برای ۷ عامل بر روی هم برابر ۵۸/۹۸۹ درصد کل واریانس متغیر بود (جدول ۳). نتایج این تحلیل پس از چرخش نشان داد که ۸ سؤال روی عامل اول، ۷ سؤال روی عامل دوم، ۶ سؤال روی عامل سوم، ۶ سؤال روی عامل چهارم، ۶ سؤال روی عامل پنجم، ۸ سؤال روی عامل ششم و ۵ سؤال روی عامل هفتم بیشترین بار عاملی را دارند. از آنجا که در این پژوهش حداقل بار عاملی ۰/۴ در نظر گرفته شد، سئوالاتی که روی هیچ کدام از عوامل دارای چنین بار عاملی نبودند و همچنین سئوالاتی که روی چند عامل بار عاملی مشابه داشتند از مجموعه سئوالات حذف شدند و در نهایت ۴۶ سؤال باقی ماند. ماتریس چرخش داده شده عامل‌ها در جدول ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۳. مشخصه‌های آماری اولیه مقیاس محقق ساخته به روش مولفه های اصلی

سئوالات	ارزش عامل ها قبل از چرخش	درصد واریانس	درصد تراکمی	ارزش عامل ها قبل از چرخش	درصد واریانس	درصد تراکمی	ارزش عامل ها بعد از چرخش
۱	۱۴/۲۲۴	۳۰/۹۲۱	۳۰/۹۲۱	۱۴/۲۲۴	۳۰/۹۲۱	۳۰/۹۲۱	۸/۸۲۱
۲	۳/۱۳۷	۶/۸۱۹	۳۷/۷۴۰	۳/۱۳۷	۳۷/۷۴۰	۶/۸۱۹	۳/۳۹۹
۳	۲/۵۵۴	۵/۵۵۱	۴۳/۲۹۱	۲/۵۵۴	۴۳/۲۹۱	۵/۵۵۱	۵/۲۷۶
۴	۲/۱۰۱	۴/۵۶۷	۴۷/۸۵۸	۲/۱۰۱	۴۷/۸۵۸	۴/۵۶۷	۲/۱۹۰
۵	۱/۹۵۰	۴/۲۳۹	۵۲/۰۹۷	۱/۹۵۰	۵۲/۰۹۷	۴/۲۳۹	۵/۰۴۰
۶	۱/۷۰۷	۳/۷۱۱	۵۵/۸۰۸	۱/۷۰۷	۵۵/۸۰۸	۳/۷۱۱	۷/۳۴۷
۷	۱/۴۶۳	۳/۱۸۱	۵۸/۹۸۹	۱/۴۶۳	۵۸/۹۸۹	۳/۱۸۱	۸/۳۹۰
۸	۱/۰۰۱	۲/۹۴۸	۶۱/۹۳۶				
۹	۰/۹۸۰	۲/۶۷۶	۶۴/۶۱۳				
۱۰	۰/۹۶۶	۲/۶۵۵	۶۷/۲۶۸				
۱۱	۰/۹۵۴	۲/۳۸۵	۶۹/۶۵۳				
۱۲	۰/۹۱۰	۲/۳۱۶	۷۱/۹۶۹				
۱۳	۰/۸۹۰	۲/۱۸۲	۷۴/۱۵۱				
۱۴	۰/۸۷۸	۱/۹۳۵	۷۶/۰۸۶				
۱۵	۰/۸۴۶	۱/۸۳۸	۷۷/۹۲۵				
۱۶	۰/۸۱۹	۱/۷۸۱	۷۹/۷۰۶				
۱۷	۰/۷۳۶	۱/۶۰۰	۸۱/۳۰۶				
۱۸	۰/۶۵۷	۱/۴۲۹	۸۲/۷۳۴				
۱۹	۰/۶۵۱	۱/۴۱۵	۸۴/۱۴۹				
۲۰	۰/۶۳۴	۱/۳۷۸	۸۵/۵۲۷				
۲۱	۰/۵۶۷	۱/۲۳۴	۸۶/۷۶۱				

جدول ۴. ماتریس چرخش داده شده عامل‌ها

عامل‌ها ^۰							سئوالات
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
						۰/۶۳۴	q1
						۰/۶۳۳	q2
						۰/۶۸۳	q9
						۰/۷۵۸	q10
						۰/۵۲۲	q14
						۰/۷۵۳	q31
						۰/۷۱۷	q36
						۰/۶۷۰	q40
					۰/۶۶۶		q3
					۰/۵۲۷		q5
					۰/۶۶۷		q11
					۰/۶۸۳		q21
					۰/۵۸۵		q24
					۰/۶۹۸		q39
					۰/۵۴۹		q41
				۰/۶۸۱			q4
				۰/۶۴۱			q7
				۰/۶۰۹			q8
				۰/۶۱۲			q30
				۰/۵۸۳			q32
				۰/۸۱۰			q37
			۰/۵۸۴				q6
			۰/۷۸۶				q15

پایایی مقیاس کیفیت روابط زناشویی

در این پژوهش پایایی مقیاس محقق ساخته از روش همسانی درونی^۱ به طریق آلفای کرونباخ^۲ مورد بررسی قرار گرفت. در محاسبه پایایی مقیاس ساخته شده از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۵، برای عامل اول (انتقاد) ۰/۸۲، برای عامل دوم (غرغر) ۰/۷۶، برای عامل سوم (سرزنش) ۰/۷۸، برای عامل چهارم (تهدید) ۰/۸۳، برای عامل پنجم (حق حساب دادن) ۰/۷۶، برای عامل ششم (تنبيه) ۰/۸۲، و برای عامل هفتم (گله و شکایت) ۰/۷۱ به دست آمد (جدول ۵). بالاترین همبستگی را عامل چهارم (تهدید) با کل مقیاس داشت که مقدار آن ۰/۸۳ به دست آمد و در مقابل پایین ترین همبستگی را عامل هفتم (گله و شکایت) با کل مقیاس داشت که مقدار آن ۰/۷۱ محاسبه شد. نانالی^۳ و برنشتاین^۴ (۱۹۹۴) ضریب همسانی درونی بالاتر از ۰/۷ را پیشنهاد می دهند. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که مقیاس ساخته شده از پایایی نسبتاً بالایی برخوردار است (پاسخ سؤال ۱).

جدول ۵. مشخصه‌های آماری عامل‌ها

عامل	تعداد پرسش‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ
اول (انتقاد)	۸	۲۲/۴۲	۵/۳۲۵	۰/۸۲
دوم (غرغر)	۷	۱۳/۸۹	۴/۲۵۹	۰/۷۶
سوم (سرزنش)	۶	۱۲/۵۵	۴/۱۱۷	۰/۷۸
چهارم (تهدید)	۶	۸/۴۳	۳/۲۲۸	۰/۸۳
پنجم (حق حساب دادن)	۶	۱۲/۴۴	۴/۰۳۹	۰/۷۶
ششم (تنبيه)	۸	۱۵/۲۹	۵/۲۸۹	۰/۸۲
هفتم (گله و شکایت)	۵	۹/۴۶	۳/۱۰۸	۰/۷۱
کل	۴۶	۹۴/۴۹	۲۳/۷۰	۰/۹۵

1. Internal consistency
2. cronbach alpha
3. Nunnally
4. Bernstein

روایی مقیاس کیفیت روابط زناشویی

روایی مقیاس محقق ساخته کیفیت روابط زناشویی با سه روش روایی محتوایی^۱، روایی سازه^۲ و روایی ملاکی^۳ مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش برای بررسی روایی محتوایی مقیاس از نظرات زوج درمانگران آموزش دیده براساس تئوری انتخاب در ایران و همچنین اعضای مؤسسه بین المللی ویلیام گلاسر در استرالیا و آمریکا استفاده شده است. که نتیجه نظرات این متخصصان حاکی از جامعیت سئوالات پرسشنامه در پوشش دادن به تعاریف هفت رفتار تخریبگر در روابط زناشویی از دیدگاه تئوری انتخاب و نیز مرتبط بودن سئوالات مقیاس به مفاهیم مربوط است.

رویکرد اساسی روایی سازه سنجش این مسأله است که مقیاس تا چه حد اندازه سازه نظری یا صفتی را می سنجد. در راستای تعیین روایی سازه در پژوهش حاضر از روش تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی و چرخش ابلیمین مستقیم استفاده گردید. که دلیل انتخاب این نوع چرخش همانطور که ذکر شد همبستگی عوامل موجود به یکدیگر براساس تئوری انتخاب است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد کل مقیاس به ترتیب ۹۴/۴۹ و ۲۳/۷۰ است و محاسبه این شاخص‌ها برای هر کدام از عامل‌ها انجام شد که میانگین و انحراف استاندارد به این صورت به دست آمد: برای عامل اول (انتقاد) ۲۲/۴۲ و ۵/۳۲۵، برای عامل دوم (غرغر) ۱۳/۸۹ و ۴/۲۵۹، برای عامل سوم (سرزنش) ۱۲/۵۵ و ۴/۱۱۷، برای عامل چهارم (تهدید) ۸/۴۳ و ۳/۲۲۸، برای عامل پنجم (حق حساب دادن) ۱۲/۴۴ و ۴/۰۳۹، برای عامل ششم (تنبیه) ۱۵/۲۹ و ۵/۲۸۹، و برای عامل هفتم (گله و شکایت) ۹/۴۶ و ۳/۱۰۸ (جدول ۵).

-
1. content validity
 2. construct validity
 3. criterion validity

به منظور تعیین روایی ملاک مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» از پرسشنامه «چهار اسب سوار ارتباطات مهلک» از مجموعه مقیاس‌های جان گاتمن (SRH) استفاده شد و از طریق همبسته کردن این دو مقیاس مقدار ضریب همبستگی ۰/۵۶۷ به دست آمد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با استناد به یافته‌های بالا می‌توان نتیجه گرفت که مقیاس ساخته شده از روایی نسبتاً بالایی برخوردار است (پاسخ سؤال ۲).

جدول ۶. مشخصه‌های آماری شامل میانگین، واریانس، همبستگی اصلاح شده و ضریب آلفا برای عامل اول (انتقاد)

شماره سؤال	میانگین مقیاس اگر سؤال حذف شود	واریانس مقیاس اگر سؤال حذف شود	همبستگی اصلاح شده سؤال-نمره کل	آلفای کرانباخ اگر سؤال حذف شود
۱	۱۸/۷۳	۲۳/۵۶۳	۰/۴۴۷	۰/۸۱۳
۲	۱۹/۵۸	۲۳/۱۴۰	۰/۵۱۵	۰/۸۰۴
۹	۱۹/۸۶	۲۱/۳۷۵	۰/۵۴۱	۰/۸۰۲
۱۰	۱۹/۴۶	۲۰/۶۷۷	۰/۶۴۶	۰/۷۸۵
۱۴	۲۰/۵۴	۲۴/۰۳۹	۰/۳۷۷	۰/۸۲۲
۳۱	۱۹/۸۹	۲۱/۰۹۵	۰/۶۴۶	۰/۷۸۵
۳۶	۱۹/۲۰	۲۱/۹۴۹	۰/۶۱۱	۰/۷۹۱
۴۰	۱۹/۶۸	۲۲/۲۶۱	۰/۵۴۶	۰/۸۰۰

جدول ۷. مشخصه‌های آماری شامل میانگین، واریانس، همبستگی اصلاح شده و ضریب آلفا برای

عامل دوم (غرغر)

شماره سؤال	میانگین مقیاس اگر سؤال حذف شود	واریانس مقیاس اگر سؤال حذف شود	همبستگی اصلاح شده سؤال-نمره کل	آلفای کرانباخ اگر سؤال حذف شود
۳	۱۱/۸۲	۱۳/۵۷۴	۰/۵۰۷	۰/۷۳۱
۵	۱۱/۸۶	۱۳/۳۱۱	۰/۵۳۸	۰/۷۲۴
۱۱	۱۱/۸۹	۱۳/۷۱۲	۰/۴۶۳	۰/۷۴۱
۲۱	۱۱/۹۵	۱۳/۷۹۵	۰/۵۴۶	۰/۷۲۴
۲۴	۱۱/۵۳	۱۴/۱۸۸	۰/۳۹۸	۰/۷۵۴
۳۹	۱۲/۰۲	۱۳/۴۸۹	۰/۵۵۸	۰/۷۲۰
۴۱	۱۲/۲۹	۱۴/۸۷۰	۰/۳۸۴	۰/۷۵۵

جدول ۸. مشخصه‌های آماری شامل میانگین، واریانس، همبستگی اصلاح شده و ضریب آلفا برای عامل

سوم (سرزنش)

شماره سؤال	میانگین مقیاس اگر سؤال حذف شود	واریانس مقیاس اگر سؤال حذف شود	همبستگی اصلاح شده سؤال-نمره کل	آلفای کرانباخ اگر سؤال حذف شود
۴	۱۰/۲۳	۱۲/۳۷۱	۰/۵۱۵	۰/۷۵۰
۷	۱۰/۳۹	۱۲/۷۳۰	۰/۵۱۹	۰/۷۴۹
۸	۱۰/۶۳	۱۱/۴۹۰	۰/۶۲۳	۰/۷۲۱
۳۰	۱۰/۱۲	۱۲/۸۲۷	۰/۴۱۷	۰/۷۷۴
۳۲	۱۰/۹۴	۱۳/۵۰۷	۰/۴۱۴	۰/۷۷۲
۳۷	۱۰/۴۳	۱۰/۸۲۲	۰/۶۸۰	۰/۷۰۴

جدول ۹. مشخصه‌های آماری شامل میانگین، واریانس، همبستگی اصلاح شده و ضریب آلفا برای

عامل چهارم (تهدید)

شماره سؤال	میانگین مقیاس اگر سؤال حذف شود	واریانس مقیاس اگر سؤال حذف شود	همبستگی اصلاح شده سؤال-نمره کل	آلفای کرانباخ اگر سؤال حذف شود
۶	۷/۰۸	۷/۳۳۳	۰/۶۷۰	۰/۷۹۰
۱۵	۶/۸۰	۶/۸۶۴	۰/۶۴۹	۰/۷۹۵
۱۶	۷/۱۸	۸/۳۴۰	۰/۵۱۶	۰/۸۲۱
۱۸	۶/۸۸	۷/۰۸۲	۰/۶۳۸	۰/۷۹۶
۳۴	۷/۲۰	۸/۲۰۴	۰/۶۲۹	۰/۸۰۵
۴۴	۷/۰۱	۷/۰۵۳	۰/۵۷۷	۰/۸۱۳

جدول ۱۰. مشخصه‌های آماری شامل میانگین، واریانس، همبستگی اصلاح شده و ضریب آلفا برای

عامل پنجم (حق حساب دادن)

شماره سؤال	میانگین مقیاس اگر سؤال حذف شود	واریانس مقیاس اگر سؤال حذف شود	همبستگی اصلاح شده سؤال-نمره کل	آلفای کرانباخ اگر سؤال حذف شود
۱۲	۱۰/۵۶	۱۲/۲۰۷	۰/۴۷۹	۰/۷۲۷
۱۷	۹/۹۸	۱۱/۸۵۱	۰/۴۲۳	۰/۷۴۵
۲۸	۱۰/۲۳	۱۱/۸۳۹	۰/۴۳۱	۰/۷۴۳
۳۵	۱۰/۱۱	۱۰/۷۱۲	۰/۶۵۶	۰/۶۷۶
۴۵	۱۰/۶۴	۱۲/۲۳۲	۰/۵۰۴	۰/۷۲۱
۴۶	۱۰/۶۹	۱۲/۴۲۷	۰/۵۲۸	۰/۷۱۸

جدول ۱۱. مشخصه‌های آماری شامل میانگین، واریانس، همبستگی اصلاح شده و ضریب آلفا

برای عامل ششم (تنبیه)

شماره سؤال	میانگین مقیاس اگر سؤال حذف شود	واریانس مقیاس اگر سؤال حذف شود	همبستگی اصلاح شده سؤال-نمره کل	آلفای کرانباخ اگر سؤال حذف شود
۱۳	۱۳/۷۹	۲۳/۴۸۷	۰/۴۶۷	۰/۸۰۷
۱۹	۱۳/۶۹	۲۱/۳۲۱	۰/۷۳۶	۰/۷۷۳
۲۳	۱۳/۲۰	۲۱/۵۰۲	۰/۴۸۹	۰/۸۰۶
۲۶	۱۳/۶۱	۲۲/۷۳۰	۰/۴۶۵	۰/۸۰۷
۲۷	۱۳/۳۲	۲۲/۳۶۷	۰/۴۹۵	۰/۸۰۳
۲۹	۱۲/۸۸	۲۰/۰۴۰	۰/۶۹۴	۰/۷۷۳
۴۲	۱۲/۷۳	۲۱/۶۲۶	۰/۴۵۱	۰/۸۱۳
۴۳	۱۳/۸۴	۲۲/۷۳۰	۰/۵۷۱	۰/۷۹۵

جدول ۱۲. مشخصه‌های آماری شامل میانگین، واریانس، همبستگی اصلاح شده و ضریب آلفا

برای عامل هفتم (گله و شکایت)

شماره سؤال	میانگین مقیاس اگر سؤال حذف شود	واریانس مقیاس اگر سؤال حذف شود	همبستگی اصلاح شده سؤال-نمره کل	آلفای کرانباخ اگر سؤال حذف شود
۲۰	۷/۶۲	۷/۳۲۳	۰/۴۷۱	۰/۶۵۵
۲۲	۷/۱۷	۷/۳۷۶	۰/۳۶۶	۰/۶۹۷
۲۵	۷/۱۷	۶/۷۱۶	۰/۴۳۵	۰/۶۷۲
۳۳	۸/۰۱	۶/۹۶۸	۰/۵۵۵	۰/۶۲۲
۳۸	۷/۸۸	۰/۷۶۳	۰/۵۰۷	۰/۶۳۸

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی پرسشنامه‌ای برای سنجش میزان به کارگیری رفتارهای تخریبگر در روابط زناشویی براساس تئوری انتخاب ویلیام گلاسر بود. همانطور که پیش از این گفته شد در این پژوهش ۲۵۰ نفر دانشجوی متأهل دانشگاه علامه طباطبائی (۲۱۳ نفر دختر و ۳۷ نفر پسر) مورد مطالعه قرار گرفتند و در ابتدا ۶۸ سؤال ساخته شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج حاصل از تحلیل عوامل نشان داد که مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» از ۴۶ سؤال و ۷ عامل تشکیل شده است. اولین نتیجه‌ای که از تجزیه و تحلیل آماری به دست آمد، میزان پایایی مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» بود. ضریب آلفای کرانباخ محاسبه گردید که برابر ۰/۹۵ بود و نشانه پایایی بالای این پرسشنامه می باشد.

سنجش میزان روایی مقیاس از روش روایی محتوایی که براساس نظرات زوج درمانگران آموزش دیده براساس تئوری انتخاب و همچنین چند تن از اعضای موسسه بین المللی ویلیام گلاسر در استرالیا و آمریکا صورت گرفت، حاکی از انطباق ماده‌های پرسشنامه با تعاریف موجود از این هفت رفتار تخریبگر روابط زناشویی در تئوری انتخاب بود. همچنین همبستگی معنادار به مقدار ۰/۵۶۷ که بین این مقیاس محقق ساخته و مقیاس رفتارهای تخریبگر جان گاتمن به دست آمد تأییدی بر روایی ملاکی مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» بود. نتایج تحلیل عاملی برای ارزیابی روایی سازه از آنجایی که حداقل بار عاملی ۰/۴ در نظر گرفته شد، حاکی از این است که ۴۶ ماده نهایی مقیاس حاضر به طور قابل قبولی ۷ سازه نظری تئوری انتخاب یعنی انتقاد، غرغر، سرزنش، تهدید، حق حساب دادن، تنبیه و گله و شکایت را مورد سنجش قرار می دهد.

ادامه تحلیل حاکی از آن است که عامل اول به عنوان انتقاد نام گذاری شد و این به دلیل تمرکز گویه‌های این عامل حول رفتارهای معرف انتقاد براساس تعریف تئوری انتخاب است. در ضمن گویه چهارم عامل یاد شده (پرسش ۱۰) «اگر نحوه حرف زدن همسر را دوست

نداشته باشم، از او ایراد می‌گیرم»، دارای بیشترین بار عاملی (۰/۷۵۸) و گویه پنجم آن (پرسش ۱۴) «اگر همسرم در رابطه جنسی آن گونه که من دوست دارم عمل نکند، از او ایراد می‌گیرم»، دارای کمترین بار عاملی (۰/۵۲۲) می‌باشد. مهلک‌ترین رفتار مخرب از دیدگاه گلاسر انتقاد است (نلسون، ۲۰۰۲؛ گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۷). گلاسر گاهی از اصطلاح انتقاد سازنده به عنوان یک عادت مخرب استفاده می‌کند که این پارادوکس بیان می‌کند که همه انتقادها مخرب است (گلاسر، ۲۰۰۰a).

عامل دوم به همان طریق که برای عامل اول ذکر شد، غرغر نام گذاری شد. ضمناً گویه ششم آن (پرسش ۳۹) «دائماً به همسر می‌گویم که مرا درک نمی‌کند»، دارای بیشترین بار عاملی (۰/۶۹۸) و گویه دوم آن (پرسش ۵) «به طور مرتب از همسرم غلط‌گیری می‌کنم و از او می‌خواهم طبق روشی که من می‌خواهم وظایفش را انجام دهد»، دارای کمترین بار عاملی (۰/۵۲۷) است.

تمرکز گویه‌های عامل سوم بیشتر پیرامون سرزنش کردن همسر است در نتیجه این عامل سرزنش نام گذاری شد. در ضمن گویه ششم آن (پرسش ۳۷) «مقصر اینکه در زندگی زناشویی احساس رضایت نمی‌کنم را رفتار و عملکرد همسر می‌دانم»، دارای بیشترین بار عاملی (۰/۸۱۰) و گویه پنجم آن (پرسش ۳۲) «اگر من و همسر با مشکل مالی مواجه شویم به او می‌گویم که تقصیر اوست که این اتفاق افتاده است»، دارای کمترین بار عاملی (۰/۵۸۳) می‌باشد. پرکینز (۲۰۱۲) در تعریف سرزنش، دو قسمت برای آن در نظر می‌گیرد: ۱) مسئولیت خود را بر عهده فردی دیگر قرار دادن و ۲) عیب جویی کردن به طریق یافتن خطا و اشتباه در فرد دیگر.

گویه‌های عامل چهارم معرف رفتار تهدید کردن براساس تئوری انتخاب است. ضمناً گویه دوم آن (پرسش ۱۵) «به همسر هشدار می‌دهم که اگر به تقاضای من عمل نکند خواسته‌هایش را برآورده نخواهم کرد»، دارای بیشترین بار عاملی (۰/۷۸۶) و گویه اول آن

(پرسش ۶) «هنگامی که بین من و همسرم درگیری به وجود می آید او را تهدید می کنم که خانه را ترک خواهم کرد»، دارای کمترین بار عاملی (۰/۵۸۴) است.

در ارتباط با عامل پنجم که حق حساب دادن یا باج دهی نام گذاری شد نیز می توان گفت که گویه چهارم آن (پرسش ۳۵) «در مواقعی که از همسرم خواسته ای دارم، به او بیشتر توجه می کنم»، دارای بیشترین بار عاملی (۰/۷۹۱) و گویه دوم آن (پرسش ۱۷) «برای تحریک همسرم به انجام خواسته هایم، عشق و علاقه بینمان را به او یادآوری می کنم»، دارای کمترین بار عاملی (۰/۶۳۵) می باشد. حق حساب دادن همان تنبیه توسط پاداش است (نلسون، ۲۰۰۲)، که گلاسر در ارتباط با آن بیان می کند که افراد ممکن است پاداش را دوست داشته باشند، اما اغلب از پاداش دهنده متنفر می شوند (گلاسر، ۲۰۰۰a).

عامل ششم دربرگیرنده گویه های معرف رفتار تنبیه کردن می باشد و بر این اساس تنبیه نام گذاری شد. ضمناً گویه دوم آن (پرسش ۱۹) «هنگام دلخوری از همسرم، با تمسخر او عملش را تلافی می کنم»، دارای بیشترین بار عاملی (۰/۸۱۹) و گویه پنجم آن (پرسش ۲۷) «هنگام ناراحتی از همسرم، به جای آنکه مسأله را مستقیماً بیان کنم، سعی می کنم با لجبازی به او بفهمانم که از او ناراحتم»، دارای کمترین بار عاملی (۰/۴۹۵) است.

عامل آخر نیز به دلیل تمرکز گویه های آن پیرامون شکوه کردن، گله و شکایت نام گذاری شد. نتایج تحلیل در مورد این عامل نیز نشان داد که گویه چهارم آن (پرسش ۳۳) «گاهی از اینکه با همسرم ازدواج کرده ام پشیمان می شوم و این پشیمانی را نزد او بیان می کنم»، دارای بیشترین بار عاملی (۰/۷۲۷) و گویه دوم آن (پرسش ۲۲) «نارضایتی از شخصیت همسرم را برایش بازگو می کنم»، دارای کمترین بار عاملی (۰/۶۱۳) می باشد.

لازم به ذکر است که گویه های عامل دوم (غرغر)، روی عوامل اول (انتقاد)، سوم (سرزنش)، چهارم (تهدید)، و هفتم (شکایت) دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۴ اما با مقداری کمتر از بار عاملی روی عامل غرغر بودند، که دلیل آن همپوشانی این مفاهیم با یکدیگر است. در تئوری انتخاب در تعریف این رفتار مخرب آمده است که غرغر همان تکرار و استمرار انتقاد،

تهدید، شکایت و سرزنش کردن است (راپورت^۱، ۲۰۰۷). در نتیجه در گویه‌های معرف غرغر باید نمونه‌هایی از رفتارهای مذکور لحاظ می‌شد. برای تأکیدی بر تعاریف و مفاهیم زیربنای پژوهش حاضر، همبستگی بین عوامل موجود در مقیاس محقق ساخته محاسبه گردید و نتایج حاکی از آن است که رفتارهای انتقاد، سرزنش، تهدید، و شکایت بالاترین همبستگی را بین عوامل با عامل غرغر داشتند که به ترتیب برابر ۰/۷۱۲، ۰/۷۲۷، ۰/۵۵۰، و ۰/۷۵۶ است که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشند.

از آنجا که روایی صوری، محتوایی و روایی ملاکی این مقیاس و همچنین پایایی آن به میزان نسبتاً بالایی محاسبه گردید می‌توان گفت مقیاس «کیفیت روابط زناشویی»، یک پرسشنامه معتبر برای اندازه‌گیری میزان به کارگیری رفتارهای مخرب در روابط زناشویی براساس تئوری انتخاب در ایران است. در واقع تا آنجا که محققین می‌دانند، نه تنها در ایران، بلکه در سطح بین‌المللی این نخستین مقیاس سنجش رفتارهای تخریبگر رابطه زناشویی براساس دیدگاه گلاسر می‌باشد که به صورت استاندارد تهیه و منتشر شده است. در مجموع از مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» می‌توان به عنوان یک پرسشنامه معتبر در تحقیقات مربوط به حوزه ازدواج استفاده نمود و تأثیر به کارگیری رفتارهای تخریبگر از دیدگاه گلاسر را روی رضایت مندی زناشویی، احساس صمیمیت زوجین و موارد دیگر مورد بررسی قرار داد. از آنجا که این مقیاس دارای زیرمقیاس‌هایی برای هر یک از این هفت رفتار تخریبگر است می‌توان میزان مخرب بودن هر یک از این رفتارها را مورد بررسی قرار داد. همچنین این مقیاس می‌تواند در جریان مشاوره‌های زناشویی به منظور تشخیص یکی از علل مهم مشکلات همسران و در پی آن حل کردن این مسائل در مراجعان، مورد استفاده قرار گیرد. در همین راستا برای سهولت به کارگیری این مقیاس چه در پژوهش‌ها و چه در ارزشیابی‌های بالینی سعی شد تا حد امکان و

تا جایی که به جامعیت این مقیاس در پوشانندگی مفاهیم مربوط به هفت رفتار مخرب رابطه زناشویی بر پایه تئوری انتخاب آسیبی وارد نرسد، مورد تلخیص قرار گیرد.

در این تحقیق به اندازه کافی در خصوص ارزیابی پایایی و روایی که از مهمترین شاخص‌های اعتباریابی یک مقیاس می‌باشند، بحث و گفتگو شده است و نتایج حاصل از این پژوهش، گویای این مطلب است. با وجود این در پایان پیشنهاد می‌شود که مقیاس «کیفیت روابط زناشویی» روی افرادی که به دلیل مشکلات زناشویی به کلینیک‌ها و مراکز درمانی مراجعه می‌کنند نیز اجرا شود تا کاربرد آن برای مقاصد بالینی روشن‌تر گردد. همچنین مقیاس حاضر در جمعیت غیردانشگاهی و نمونه‌های آماری مختلف بررسی شود، تا کلیه اقشار یک جامعه مورد بررسی قرار گیرد و نتایج این گونه تحقیقات جامعیت بیشتری پیدا کند و از طرف دیگر گویایی و قابلیت درک سوالات برای جمعیت عادی مورد سنجش قرار گیرد.

پژوهشگران علاقه مند می‌توانند شدت و فراوانی به کارگیری رفتارهای مخرب در زنان و مردان را مورد مقایسه و بررسی قرار دهند. علاوه بر این، این مسأله که هر کدام از این دو جنس بیشتر به کدام یک از این هفت رفتار دست می‌زنند نیز می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی باشد. و در آخر از آنجا که از دیدگاه گلاسر این رفتارهای مخرب منحصر به ازدواج نیست و میان والدین و فرزندان، کارمندان و کارفرمایان، و معلمان و دانش آموزان نیز وجود دارد (گلاسر، ۱۹۹۰؛ ۲۰۰۰b؛ اندرا و گرینوالد، ۲۰۰۷؛ گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۷) پیشنهاد می‌شود نسخه‌های دیگری از مقیاس حاضر برای روابط مذکور نیز مورد ساخت و اعتباریابی قرار گیرد.

منابع لاتین

Anderson, T. (2008). *SKEP classrooms where student responsibility and contracting are promoted*. Retrieved September 27, 2008 from: www.wik.ed.uiuc.edu/index.php/SKEP_Classroom_where_student_responsibility_and_contracting_are_promoted

- Buehlman, K. T., Gottman, J. M. & Katz, L. F. (1992). How a couple views their past predicts their future: Predicting divorce from an oral history interview. *Journal of Family Psychology*, 5, 295-318.
- Christensen, T. M. & Gray, N. D. (2002). The Application of Reality Therapy and Choice Theory in Relationship Counseling, an Interview with Robert Wubbolding. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*. 10(2), 244-248.
- Clifton, D. (2011). 'Minding up' with Choice Theory in a rapidly changing 21st Century. *International Journal of Choice Theory and Reality Therapy*. 30(2), 17-22.
- Cornelius, T. L., & Alessi, G. (2006). *Reliability data on selected questionnaires from the Gottman Sound Marital House*. Unpublished manuscript.
- Erwin, J. C. (2003). Giving students what they need. *Educational Leadership*, 61, 19-23.
- Fincham, F.D. (2003). Marital Conflict: Correlates, Structure, and Context. *Current Directions in Psychological Science*, 12(1), 23-27.
- Glasser, W. (1990). *The quality school: Managing students without coercion*. New York: HarperCollins.
- Glasser, W. (1997). *A New look at school failure and school success*. Phi Delta Kappan, 78, 596-602.
- Glasser, W. (1998). *Choice theory: A new psychology of personal freedom*. New York: HarperCollins.
- Glasser, W. (1999). Through the Biblical Looking Glass: A Biblical Critique of Reality Therapy and Choice Therapy. *Christian Discernment Publications Ministry, Inc*. Retrieved May 25, 2012, from www.christiandiscernment.com
- Glasser, W. (2000a). Couple/family therapy workshop. *Paper presented at the Evolution of Psychotherapy Conference*, Anaheim, CA.
- Glasser, W. (2000b). School violence from the perspective of William Glasser. *Professional School Counseling*, 4, 77-80.
- Glasser, W. (2003). *For Parents and Teenagers- Dissolving the Barrier between You and Your Teen*. New York: HarperCollins.
- Glasser, W. (2005). *Defining mental health as a public health issue: A new leadership role for the helping and teaching professions*. Los Angeles: William Glasser Institute.
- Glasser, W., & Glasser, C. (2000). *Getting together and staying together: solving the Mystery of Marriage*. New York: HarperCollins.
- Glasser, W., & Glasser, C. (2007). *Eight Lessons for a Happier Marriage*. New York: Harper Collins.

- Gottman, J. M. (1994a). *What predicts divorce: The Relationship between Marital Processes and Marital outcomes*. Hillsdale, N.J: Lawrence Erlbaum Associates.
- Gottman, J. M. (1994b). *Why marriages succeed or fail*. New York: Simon & Schuster.
- Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. New York: W.W. Norton & Company.
- Nelson, T. G. (summer 2002). An Interview with William Glasser, M.D. *Teacher Education Quarterly*. 93-98.
- Nunnally, J. C., & Bernstein, I. H. (1994). *Psychometric theory* (3rd Ed.). New York: Mc Graw-Hill.
- Onedera, J. D., & Greenwalt, B. (January 2007). Choice Theory: An Interview with Dr. William Glasser. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 15(1), 79-86.
- Perkins, E. (2012). Choice Theory and Blame versus Responsibility. *International Journal of Choice Theory and Reality Therapy*. 31(2), 10-12.
- Rappoport, Z. (2007). Defining the 14 Habits. *International Journal of Reality Therapy*. Spring 2007. P. 26-27.
- Robbins, L. (2005). Choice theory, reality therapy, and lead management. *Presentation in Nashville, TN*.
- Robey, P. A. (2011). Reality Therapy and Choice Theory: An Interview with Robert Wubbolding. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*. 19(2), 231-237.
- Robey, P., Burdinski, T. K., Britzman, M., Crowell, J., & Cisse, G. S. (2011). Systemic Applications of Choice Theory and Reality Therapy: An Interview with Glasser Scholars. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 19(4), 427-433 .
- Wubbolding, R., Brickell, J., Imhof, L., Kim, R. I., Lojk, L., & Al-Rashidi, B. (2004). Reality therapy: A global perspective. *International Journal for the Advancement of Counseling*, 26, 219-228.